



ملکیان: مفهوم معجزه در غرب با آن چه در فرهنگ ما وجود دارد متفاوت است/ تفاوت عقیده و ایمان

مصطفی ملکیان در نشست نقد و بررسی کتاب درباره خدا گفت: مفهوم معجزه در غرب با آن چیزی که در فرهنگ ما وجود دارد متفاوت است.

مصطفی ملکیان در نشست نقد و بررسی کتاب "درباره خدا" گفت: مفهوم معجزه در غرب با آن چیزی که در فرهنگ ما وجود دارد متفاوت است. ما معجزه را صدق نبی مرتبط می‌دانیم. اما در الهیات مسیحی و یهودی معجزه همیشه دال بر صدق نبی نیست بلکه نشان می‌دهد خدا وجود دارد. این در حالی است که در فرهنگ ما هر امر خرق عادت می‌باشد به طول مثال اگر کسی میله‌ای را خم کرد اگرچه امر خرق عادت است اما از نگاه ما معجزه نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، جلسه هفتگی شهر کتاب دیروز سه شنبه به نقد و بررسی کتاب "درباره خدا" اختصاص داشت. در این مراسم مصطفی ملکیان با بیان اینکه تاکنون به زبان انگلیسی و با روش فلسفه تحلیلی در حوزه دین کتابی به این درجه نوشته نشده است، گفت: خانم پورمحمدی واقعا حسن انتخاب و حسن سلیقه نشان داده که این کتاب را برای ترجمه انتخاب کرده است. این ترجمه دقیق و پاکیزه است. علاوه بر این وفادار به متن و زبان فارسی آن پخته و بدون اعوجاج است.

وی در ادامه با اشاره به ادله‌ای که درباره اثبات وجود خدا در این کتاب آمده است، اشاره کرد و گفت: من در بحث خودم به ادله‌ای اشاره خواهم کرد که صورت بهتری از صورتی که در کتاب‌های فلسفه دین تحلیلی وجود دارد است. به نظر می‌آید در این بحث جدید همان مواد خامی که در کتاب فلسفه دین درباره اثبات خدا آمده در یک ساختار جدیدتر ارائه می‌شود. البته ساختمان ادله‌هایی که من درباره وجود اثبات خدا بیان می‌کنم به لحاظ ریخت و ساخت کتاب و نه به لحاظ محتوا تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی با آن دارد.

ملکیان در ادامه سخنانش به چند خطای مایکل پارمر در این کتاب اشاره کرد و گفت: به طور مثال او در بخشی از این کتاب دو مبحث جدا از یکدیگر را خلط کرده است. در حالی که این دو مبحث باید مستقل از یکدیگر بیان شوند.

وی با اشاره به اینکه در طول تاریخ بشری همه دلایلی که فیلسوفان و عرفا بیان کرده‌اند در 5 مبحث قابل ارائه است گفت؛ البته باید در نظر داشت که انسان نیز ساحت‌های 5 گانه وجودی که شامل: ساحت باورها، احساسات، عواطف و هیجانات، خواسته‌ها، گفتار و کردار است را دارد. هریک از مباحث 5 گانه درباره اثبات وجود خدا به یکی از این ساحت‌های 5 گانه وجودی انسان برمی‌گردد.

ملکیان به عقیده وجود داشتن خدا به عنوان نخستین ادله برای اثبات وجود خدا اشاره کرد و گفت: این ادله بدین معنی است که خدا یا خدایان خاصی وجود دارند. ادله دوم ایمان به خداست و هیچ ربطی به عقیده وجود خدا ندارد. در حالی که نویسنده کتاب درباره خدا بین عقیده به خدا و ایمان به خدا خلط کرده است. باید در نظر داشته باشیم که عقیده به خدا به ساحت باورهای انسان برمی‌گردد. اما ایمان به خدا به ساحت احساسات و هیجانات انسانی برمی‌گردد. ایمان به خدا همان عاطفه و احساسی است که من نوعی به خدا دارم و البته در کنار آن عشق به خدا و امید به خدا هم مطرح می‌شود.

وی پرستش و عبودیت خداوند را به عنوان ادله سوم اثبات وجود خدا نام برد و تصریح کرد: این ادله به ساحت خواسته‌های وجودی ما برمی‌گردد. دعا و مناجات با خدا ادله چهارم است و البته باید در نظر داشت که بین دعا و مناجات تفاوت وجود دارد در هر صورت دعا و مناجات به ساحت گفتاری انسان برمی‌گردد. اما ساحت پنجم عبادات است همه این پنج دلیل باید برایشان دلیلی وجود داشته باشد. تا انسان به یکی از آنها استناد کند. اگر هریک از این دلایل 5 گانه مبتنی بر یک علت محکم نباشد فرد نمی‌تواند نسبت به آن باور داشته باشد. کتاب درباره خدا از 5 ادله اثبات وجود خداوند به نخستین دلیل که همان عقیده به وجود خداست می‌پردازد و کاری به دلایل 4 گانه دیگر ندارد.

ملکیان در ادامه گفت: برخی معتقدند اصل عقیده به خدا نیازمند به اثبات نیست بدین معنی که دلیلی برای عقیده به خدا وجود ندارد و بر این اساس معتقد هر انسانی هر مکانی در هر زمانی تمدنی و فرهنگی آگاهانه و یا ناآگاهانه خواسته و یا ناخواسته معتقد به وجود خداست پس هیچ کس برای اثبات وجود خدا نیاز به دلیل ندارد. این گروه به فطری بودن عقیده به خدا قائل هستند. اما دسته دوم معتقدند که همه انسان‌ها برای عقیده به وجود خداوند نیازمند دلیل و اثبات هستند و اگر دلیلی برای عقیده خود نداشته باشند اعتقاد به وجود خداوند گزاف خواهد بود. این گروه خود به دو بخش تقسیم می‌شوند برخی برای اثبات وجود خداوند دلایل تجربی و برخی دیگر دلایل عقلی می‌آورند.

وی در ادامه تصریح کرد: البته دلیل تجربی به معنای حس کردن خداوند با حواس پنجگانه انسانی نیست. بلکه منظور تجربه دینی و عرفانی است که به غیر از دلایل تجربی است. با همین نگاه جمله کلود برنارد که می‌گوید: "من هر وقت زیر تیغ جراحی خدا را دیدم به آن قائل هستم" جمله‌ای بی‌معنی است چرا که تجربه باید متناسب با امری باشد که آن را می‌خواهیم تجربه کنیم و با همین رویکرد تجربه وجود خداوند از طریق ابزار حواس 5 گانه امکان‌پذیر نیست. در نظر داشته باشید که در علوم تجربی هم هر امری که تجربه می‌شود ابزار مناسب به آن انتخاب می‌شود.

این پژوهشگر فلسفه اخلاق به دلایل عقلی در اثبات وجود خداوند اشاره کرد و گفت: این گروه نیز به دو بخش تقسیم می‌شود؛

گروه اول معتقدند ما بدون اینکه از ذهن خودمان بیرون بیاییم می‌توانیم با خم شدن در درون ذهنمان آن‌را اثبات کنیم. اما گروه دوم معتقدند ما تا چشم باز نکنیم و به اصطلاح نسبت به قوای ادراکی دنیای بیرون و آنچه در عالم هست، توجه نکنیم نمی‌توانیم خدا را اثبات کنیم. گروه نخست برای اثبات وجود خدا دلیل وجود شناختی می‌آورد و معتقد است هرآنچه را که بتوانی تصور کنی لازم نیست وجه آن را در عالم خارج بیابی به ویژه آنکه خدا موجودی است که بزرگتر از آن قابل تصور نیست. اما گروه دومی که درباره اثبات خدا ادله عقلی دارند. می‌گویند؛ ما باید به واقعیت‌های عالم بیرون توجه کنیم چون این واقعیت‌ها ما را به سمت خدا می‌برد آنها برای اثبات وجود خدا از قاعده اسطوره اکام استفاده می‌کنند.

وی در ادامه افزود: اکام فیلسوف قرون وسطی مسیحی است و قاعده‌ای وضع کرد که بشر پیش از آن هم از آن استفاده می‌کرد. این قاعده می‌گوید هیچ چیز را باور نکن که وجود دارد مگر اینکه آن را با حواس ادراک کنی و یا این که بودن آن چیز شرط لازم حس کردن چیزی باشد که لازمه آن چیز اولی است. مثلاً اینکه من گرما را حس می‌کنم بدین معنی است که گرمایی وجود دارد. اگر بنا باشد به قاعده اکام معتقد باشیم دنیای ما خلوت می‌شود. در حالی که دنیای اجداد ما شلوغ بود. آنها از اجنه و موجودات دیگر که در خانه‌شان مشاهده می‌کردند صحبت می‌کردند اما با استناد به قاعده اکام چون این موجودات قابل حس نیستند دنیای ما خلوت می‌شود.

ملکیان در بخش دیگری از سخنانش به 10 دلیلی که فیلسوفان برای اثبات وجود خدا بیان می‌کنند اشاره کرد و گفت: حرکت، علیت، مشروط بودن و نامشروط بودن (براهین امکان وجود)، نظم، هدف، امکان وجوب و کمال از جمله این دلایل است.

وی درباره دلیل مشروط بودن و نامشروط بودن توضیح داد: هر چیزی در دنیا مشروط‌الوجود است و هر مشروط‌الوجودی ممکن است، وجود داشته باشد یا خیر. بنابراین می‌توان نشان داد که یک موجود در عالم باشد که ممکن‌الوجود نباشد و حتی اگر عالم نابود و کن‌فیکون شود. باز هم آن چیز مطلق‌الوجود باشد و از هر قیدی آزاد باشد. این امر همان خداوند است.

ملکیان با اشاره به ادله معجزه که درباره اثبات خداوند بیان می‌شود گفت: مفهوم معجزه در غرب با آن چیزی که در فرهنگ ما وجود دارد متفاوت است. ما معجزه را صدق نبی مرتبط می‌دانیم. اما در الهیات مسیحی و یهودی معجزه همیشه دال بر صدق نبی نیست بلکه نشان می‌دهد خدا وجود دارد. این در حالی است که در فرهنگ ما هر امر خرق عادت معجزه نیست به طول مثال اگر کسی میله‌ای را خم کرد اگرچه امر خرق عادت است اما از نگاه ما معجزه نیست.

وی گفت: آن چیزی که فیلسوفی مانند کانت از آن به عنوان خدا یاد می‌کند همان ندای وجدان است که ما را به سمت خوبی‌ها هدایت می‌کند. از نگاه کانت در درون انسان ندایی وجود دارد که او را به سمت خوب و یا بدی هدایت می‌کند و ندایی که ما را به سمت خوبی هدایت می‌کند خداست.

وی با اشاره به اینکه تمام ادله‌ای که تاکنون درباره اثبات وجود خدا بیان شد دلایل رئالیستی و نظری بوده‌اند گفت: در مقابل ادله پراگماتیستی (عمل‌گرایانه) برای اثبات وجود خدا مطرح می‌شود. ادله رئالیستی یا نظری اگر موفق به اثبات وجود خدا شوند گزاره‌های صادقی هستند. اما در مقابل فیلسوفی گفته است ما از روش عملی اگر خدا را ثابت کنیم نمی‌توانیم بگوییم که قضیه خدا وجود دارد، صادق است. بلکه تنها می‌توانیم بگوییم عقیده به گزاره خدا وجود دارد به مصلحت است.

ملکیان در پایان درباره ترجمه نعیمه پورمحمدی از کتاب "درباره خدا" یادآور شد: همان‌طور که گفتم ترجمه پورمحمدی واقعاً ترجمه عالی، پاکیزه و مطابق با متن است. البته ایشان در این کتاب 7 یا 8 غلط جدی در ترجمه دارند که در مقایسه با یک کتاب 700 صفحه‌ای قابل اغماض است.